

بازنمایی بحران سوریه در رسانه‌های پاکستان برای پیشبرد سیاست دولت

علیرضا خسروی^{۱*}، محمدحسین حسینی^۲

^۱ استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران
^۲ دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

چکیده

از اهداف اصلی پژوهش حاضر بررسی چگونگی بازنمایی بحران سوریه در سه رسانه پاکستانی روزنامه امت، روزنامه جنگ و سایت خبری اسلام تایمز است. تلاش شده است تا انواع راهبردهای به‌کاررفته در سیاست بازنمایی شامل برجسته‌سازی، حاشیه‌رانی، انگاره‌سازی و طبیعی‌سازی در این رسانه‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی در رویکرد پدام و نرم‌افزارهای تحلیلی ردیابی شود. پرسش اصلی پژوهش این است که چگونه رسانه‌های پاکستانی بحران و جنگ داخلی سوریه را در ظرف رقابت‌های منطقه‌ای و نیز گرایش‌های مختلف سیاست داخلی در پاکستان برای مخاطبان بازنمایی کرده‌اند؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که روزنامه امت، ذیل جهت‌گیری بشارسنتیزی و تصویرسازی منفی از ایران و روسیه، ریشه‌های بحران سوریه را معطوف به دخالت دولت‌های همسو و موافق با بشار اسد نشان داده است؛ سایت خبری اسلام تایمز، در پی دفاع از حاکمیت مشروع دولت سوریه از راه تصویرسازی و بازنمایی دخالت کشورهای غربی، و نقد و برجسته‌سازی نقش امریکا در بحران‌سازی سوریه و منطقه بوده است؛ و روزنامه جنگ با رویکردی متفاوت، بحران سوریه را مسئله‌ای ریشه‌دار و حل‌نشده در داخل این کشور تصویرسازی کرده است، به‌گونه‌ای که دخالت کشورهای غربی و منطقه‌ای علیه بشار را ناشی از بشارسنتیزی داخلی می‌داند. آنچه ورای بازنمایی سه رسانه پاکستانی در مورد بحران سوریه و در قالب یک گزاره راهبردی شناسایی شدنی است، این است که رسانه‌های مذکور همزمان با نمایندگی از سه گروه مختلف از جامعه پاکستان، ضرورت بی‌طرفی دولت پاکستان را به مخاطب القا کرده است، و به این ترتیب، امکان مدیریت افکار عمومی از راه رسانه‌ها همسو با اراده و سیاست قدرت و دولت پاکستان در بحران سوریه فراهم می‌شود.

واژه‌های کلیدی: بحران سوریه، بازنمایی، رسانه‌های پاکستان، روزنامه جنگ، امت، اسلام تایمز

* نویسنده مسئول، رایانامه: ali.khosravi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۶ بهمن ۱۳۹۸، تاریخ تصویب: ۲۳ اسفند ۱۴۰۰

۱. مقدمه

رسانه‌های جمعی^۱ فارغ از کارکردهای داخلی، در جهان امروز به یکی از ابزارهای نفوذ و تأثیرگذار قدرت‌ها در پیگیری منافع ملی در سطح نظام بین‌الملل بدل شده‌اند. رسانه‌ها بر شناخت و درک عموم از جهان تأثیر می‌گذارند، به این معنا که آگاهی و ذهنیت مردم درباره جهان، به محتوایی بستگی دارد که از رسانه‌ها دریافت می‌کنند. رسانه‌ها واسطه و میانجی بین آگاهی‌های فردی و ساختارهای گسترده اجتماعی و سازنده معنا هستند و همچون آینه برای انعکاس واقعیت عمل نمی‌کنند، بلکه بر ساخت اجتماعی واقعیت اثر می‌گذارند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹: ۹) و به‌طور روشن و مشخص واقعیت‌ها را به نحوه دلخواه منعکس می‌کنند. این کنشگری، براساس سیاست از پیش تعیین‌شده و نظام هدف‌گذاری رسانه شکل می‌گیرد. (ویندال، سیگنایترز و اولسون ۱۳۷۶: ۹) بیان می‌کنند که رسانه‌های مختلف موجود، تنها یک محتوا یا شبه‌محتوا نیستند، بلکه برآمده از سیاست‌گذاری‌های کوچک و بزرگانند که بخش بزرگ این سیاست‌ها از سوی مراکز و صاحبان قدرت تعیین می‌شود که بیرون از حوزه فعالیت رسانه‌ها حضور دارند.

از سوی دیگر، پیشرفت و افزایش رسانه‌های خبری در جهان امروز، بیانگر اهمیت فزاینده رسانه‌ها در عرصه جهانی است. آنها نظاره‌گر صرف رویدادها نیستند، بلکه با هوشمندی و با به‌کارگیری شیوه‌های عملیات رسانه‌ای و روانی هم سازنده رویدادها هستند، و هم در جهت‌دهی به رویدادها همسان با خواست صاحبان قدرت نقش ایفا می‌کنند. از مهم‌ترین این رویدادها که از اواخر دهه نخست سده بیستم‌ویکم به‌سرعت کشورهای عربی و اسلامی را در بر گرفت، خیزش عربی موسوم به بهار عربی یا بیداری اسلامی بود که از مهم‌ترین کانون‌های درگیری آن، کشور سوریه بود. در ژانویه ۲۰۱۱ و در بحبوحه خیزش‌های مردمی در برخی کشورهای عربی - اسلامی منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، سوریه با شرایط بی‌ثباتی ویژه‌ای مواجه می‌شود. هزاران معترض در شهرهای مختلف سوریه (درعا، حلب و غیره) علیه دولت بشار اسد دست به تظاهرات زدند؛ برخی معترضان خواهان کناره‌گیری بشار از قدرت شدند، هرچند در ابتدای خیزش، معترضان خواستار اصلاحات در نظام حکومتی و اداری بودند، اما برخورد به‌نسبت سخت دولت سوریه و از سوی دیگر مداخله چند کشور خارجی به درگیری‌هایی میان نیروهای بشار و مخالفان نظام انجامید. با فاصله اندکی رئیس‌جمهور سوریه بر انجام اصلاحات در قانون اساسی و برگزاری همه‌پرسی رضایت می‌دهد، اما تنش و درگیری قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در صحنه بازیگری غرب آسیا چنان شدت می‌گیرد که بیشتر این کشورها همگام با معارضان، خلع بشار اسد را هدف اصلی خود و پیش‌شرط هر نوع

اصلاحاتی قرار می‌دهند. به این ترتیب همزمان با مداخله و پشتیبانی تسلیحاتی از گروه‌های مسلح، سوریه درگیر یکی از شدیدترین تجلیات بی‌ثباتی سیاسی موسوم به جنگ داخلی و نیابتی قدرت‌های منطقه‌ای می‌شود (قاسمیان، ۱۳۹۲: ۵۷). از سوی دیگر، صف‌بندی‌های قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای در بحران سوریه مانند عربستان و ایران، و مجموعه متغیرهای ژئوپلیتیکی و ژئوکالچری در آسیا، درهم‌تنیدگی تحولات یک کشور با کشورهای دیگر را اجتناب‌ناپذیر می‌ساخت (اسدی، ۱۳۹۱: ۷۶)، و امکان گسترش تنش‌های پیش‌آمده در بحران سوریه فراتر از منطقه درگیری و تسری آن به کشورهای آسیای جنوبی و مرکزی بسیار بالا بود. از این میان پاکستان به واسطه حضور تعداد زیادی از گروه‌های اسلامی و بعضی احزاب تندرو به صورت ویژه در بحران سوریه مرتبط می‌شوند و اینجاست که رسانه‌ها برای بازنمایی بحران و شکل‌دهی به نگرش‌های جامعه و افکار عمومی و مدیریت آن در راستای منافع ملی یا بازنمایی گروه‌های مختلف نقش ویژه ایفا می‌کنند.

در بحران سوریه دو بازیگر اصلی یعنی ایران و عربستان که روابط خوبی با پاکستان داشتند، درگیر جنگ نیابتی می‌شوند. تنش میان دو کشور ایران و عربستان در بحران سوریه برای پاکستان چالش و آزمون بزرگی را ایجاد کرد؛ از یک سو، پاکستان به دلیل داشتن مرزهای طولانی با ایران و روابط نزدیک با این کشور، نمی‌توانست از دوستی و منافع خود در ارتباط با ایران دست بکشد و از سوی دیگر، همکاری تنگاتنگ و ارتباطات نزدیک پاکستان با عربستان، اجازه نمی‌داد تا پاکستان از روابط راهبردی با عربستان صرف‌نظر کند. عربستان همیشه پاکستان را در حکم عنصری میانی در نقشه خود برای فشار بر ایران می‌بیند و از دیدگاه سعودی‌ها بهترین روش برای مقابله با ایران تقویت رقیب قدرتمند سنی در مرزهای شرقی ایران است. برای این هدف دولت عربستان هر سال میلیاردها دلار به صورت نقدی، اعتبار، کمک فرهنگی و... در شکل تخفیف در قیمت نفت و غیره به پاکستان می‌پردازد. البته وابستگی‌های پاکستان تنها به بعد اقتصادی یا نظامی محدود نیست، بلکه پیوندهای فرهنگی و مذهبی اهمیت رابطه میان دو کشور را دوچندان می‌سازد. با در نظر گرفتن مؤلفه مذکور (بحران سوریه) که در یک سوی آن ایالات متحده، اروپا و عربستان سعودی، امارات و ترکیه و از سوی دیگر روسیه و ایران (به‌عنوان کشور همسایه) قرار گرفته‌اند، چالش بزرگی برای کشور پاکستان و جریانات قدرت در این کشور برای تصمیم‌سازی و کنشگری شکل می‌گیرد. در چنین فضایی رسانه‌ها و نحوه بازنمایی بحران سوریه در سطح رسانه‌ها به موضوعی چالش‌برانگیز مبدل می‌شود.

پاکستان در میان کشورهای جنوب آسیا از جمله کشورهایی است که از لحاظ وجود رسانه‌های فعال جزء کشورهای مهم به‌شمار می‌رود که در آن ده‌ها شبکه خبری تلویزیون و

صدها روزنامه فعالیت دارند و هر کدام از آزادی به نسبت بالایی نیز برخوردارند. با وجود این، رسانه‌ها در دوره‌های مختلف از سوی احزاب قدرتمند سیاسی و حاکمان کشور تحت فشار قرار گرفته‌اند. پاکستان با اسم اسلام از هند در سال ۱۹۴۷ جدا شد و همین عامل سبب شد احزاب اسلامی زیادی در این کشور به وجود آیند و هریک از سوی احزاب مقتدر و دولت‌های مختلف پشتیبانی شوند. از طرف دیگر، روزنامه‌ها در پاکستان از قدیم در میان ملت جایگاه ویژه‌ای دارند و مردم اول صبح در دفاتر، اداره‌های دولتی و شرکت‌های خصوصی، بازار، هتل و مسافرخانه‌ها صبحانه خود را با خواندن روزنامه شروع می‌کنند، روزانه در بیش از یازده زبان و میلیون‌ها روزنامه در شهرهای مختلف پاکستان چاپ و پخش می‌شود، از این رو خبرها و مقاله‌های روزنامه‌های پاکستانی در هدایت افکار عمومی جایگاه بسزایی دارند. شمس‌الدین، محمد (۲۰۰۲) در کتاب خود با عنوان *ابلاغ عام کی نظریات* با تأکید بر مهم بودن نقش رسانه‌ها، علت توسعه کشورهای پیشرفته را نقش رسانه‌های آن بیان می‌کند (شمس‌الدین، ۲۰۰۲: ۴۵-۵۰).

ظفر اقبال، در کتابی با ذکر جایگاه و نقش رسانه‌ها بر این باور است که در هیچ جای دنیا رسانه‌ها به‌طور کامل آزاد نیستند، اما نحوه وابستگی، نوع کنترل و طرز کار کردن آنها را می‌توان متفاوت دانست و پاکستان نیز از این قاعده مستثنا نیست. وی جایگاه و آزادی رسانه‌ها را در دولت‌های مختلف از زمان ژنرال ضیاءالحق گرفته تا ژنرال پرویز مشرف بررسی کرده است و بر این نکته تأکید دارد که در حکومت‌های نظامی آزادی رسانه‌ها محدود بوده و دیکتاتورها اجازه نقد و انتقاد به رسانه‌ها نداده‌اند (Iqbal, 2011: 9).

زاهد ملک^۱ در کتاب *تعلقات عامه* می‌نویسد: رسانه‌ها در زمان‌های مختلف نقش‌های مختلفی ایفا می‌کنند، اما در مواقع جنگ وظیفه آنها سنگین‌تر می‌شود، درست است که در پشت جبهه ارتش می‌جنگد، اما جنگ روانی و تبلیغاتی وظیفه رسانه‌هاست. وی می‌افزاید: در زمان جنگ ارتش هر چقدر هم قدرتمند باشد، اما اگر ملت از آنها پشتیبانی نکند، نمی‌تواند پیروز جنگ باشد و باید ملت از آنها دفاع و پشتیبانی کند. برای این هدف رسانه‌ها می‌توانند با نقش مثبت خود آنها را از نظر روانی برای پشتیبانی از ارتش آماده کنند. وی جنگ با هند در ۱۹۶۵ را مصداق بارز این نوع حمایت می‌خواند که رسانه‌ها با نقش مثبت خود مردم را در پشتیبانی از ارتش یکپارچه کردند (ملک، ۲۰۰۹). کوکر^۲ نیز در کتاب *تاریخ صحافت*، درباره جایگاه ویژه رسانه در آزادی و قیام پاکستان می‌نویسد: «جراید و رسانه‌ها در پیشرفت، آبادانی و تحولات مختلف کشورها نقش مهمی دارند و رسانه‌های اسلامی و حامی پاکستان در نهضت

1. Zahid Malik

2. Coker

آزادی هند، تأسیس پاکستان و بیداری مسلمان‌های شبه‌قاره نقش بسزایی داشته‌اند» (کوکر، ۱۹۹۵: ۱۵۲).

از میان رسانه‌ها و روزنامه‌های پاکستانی، *روزنامه جنگ*، بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین شبکه رسانه‌ای به‌شمار می‌رود که به زبان‌های انگلیسی و اردو منتشر می‌شود و افزون‌بر این چندین شبکه تلویزیونی نیز دارد. روزنامه امت نسبت به روزنامه جنگ روزنامه تندروتر و حامی احزاب مذهبی محافظه‌کاران و تا حدودی طرفدار عربستان سعودی به‌شمار می‌رود و در چندین شهر بزرگ پاکستان هزاران روزنامه در صبح و عصر چاپ و پخش می‌کند و وب‌سایت اسلام تایمز که تا حد زیادی از حامیان شیعیان و ایران به‌شمار می‌رود، به زبان‌های اردو، انگلیسی و فارسی به شکل سایت خبری فعالیت می‌کند. با توجه به آنچه گفته شد، سؤالی که مطرح می‌شود این است که رسانه‌های پاکستانی (امت، جنگ و سایت اسلام تایمز) چگونه بحران و جنگ داخلی سوریه را در ظرف رقابت‌های منطقه‌ای و نیز گرایش‌های مختلف سیاست داخلی در پاکستان برای مخاطبان بازنمایی کرده‌اند؟

۲. چارچوب نظری: بازنمایی رسانه‌ای و راهبردهای آن

ادوارد سعید بر این باور است که بازنمایی تنها برحسب موضوع مشترک تعیین و تعریف نمی‌شود، بلکه تاریخ، سنت و جهان‌گفتمان در زمینه‌های ویژه نیز در آن دخیل است. بازنمایی‌ها اهدافی معین دارند، آنها اغلب کارسازند و با بایسته‌های ویژه فرهنگی، حرف‌های ملی، سیاسی و اقتصادی دوران خود همسان‌اند (Said, 1985: 16). نظریه بازنمایی در سال‌های اخیر جایگاه مهمی در نزد صاحب‌نظران و پژوهشگران مطالعات اجتماعی، فرهنگی و رسانه‌ای پیدا کرده و بر این باور است که کارکرد اساسی و بنیادین رسانه‌ها بازنمایی واقعیت‌های جهان خارج برای مخاطبان است و از این رو بخش بزرگی از دانش و شناخت ما از جهان به‌وسیله رسانه‌ها ایجاد می‌شود. رسانه‌ها جهان را از راه گزینش و تفسیر خود در کسوت دروازه‌بانی و از راه عواملی که سرشار از ایدئولوژی هستند، برای ما به تصویر می‌کشند. آنچه ما به‌مثابه یک مخاطب از افریقا و افریقایی‌ها، صرب‌ها و آلبانیایی‌تبارها، اعراب و مسلمانان و ... می‌دانیم، ناشی از تجربه رویارویی با گزارش‌ها و تصاویری است که به‌واسطه رسانه‌ها به ما ارائه شده است. بنابراین مطالعه بازنمایی رسانه‌ای در مطالعات رسانه‌ای، ارتباطی و فرهنگی بسیار مهم و محوری است. از آنجا که نمی‌توان جهان را با تمام پیچیدگی‌های بی‌شمار آن به تصویر کشید، رسانه‌ها ارزش‌های خبری، فشارهای فرابخشی هوچی‌گری،^۱ به‌شورآوری، برهمکنش (که ما را از دیگران جدا می‌سازد) یا تحمیل معنا را در قالب مجموعه‌ای از پیچیدگی‌های فنی و

محتوایی ارائه می‌دهند. بر این اساس بازنمایی عنصری محوری در ارائه تعریف از واقعیت است (Hall, 1997: 147). در این تعریف، بازنمایی ابزاری برای نمایش واقعیت است و این هدف با میانجی‌گری رسانه‌ها صورت می‌گیرد.

استوارت هال مفهوم بازنمایی را فرایندی ساده و سرراست نمی‌داند و بازنمایی از دید او عمل ساخت معنا با استفاده از نشانه‌ها و زبان است. وی می‌گوید، بدین ترتیب است که شما با زبان به چیزها معنی می‌دهید؛ از این راه است که دنیای آدم‌ها، اشیا و رویدادها را درک می‌کنید. این‌گونه است که می‌توانید افکار پیچیده خود را در مورد این چیزها برای دیگر آدم‌ها بیان کنید یا از راه زبان و از راه‌هایی که دیگر آدم‌ها به وسیله آن قادر به درک شما هستند، در مورد این افکار ارتباط برقرار کنید (هال، ۱۳۸۲: ۶۳). از این دیدگاه، هر صدا، واژه، تصویر یا شیئی که به‌عنوان یک نشانه عمل می‌کند و به‌همراه دیگر نشانه‌ها در نظامی سازمان می‌یابد که توانایی حمل و بیان معنی را دارد، یک زبان است. رابطه میان چیزها، مفاهیم و نشانه‌ها، در قلب تولید معنی در زبان قرار می‌گیرد. فرایندی که این سه عنصر را به هم پیوند می‌دهد، همان چیزی است که آن را بازنمایی می‌خوانیم (هال، ۱۳۸۶: ۷۱). از این‌رو معنا به‌واسطه نظام بازنمایی شکل می‌گیرد و ساخته می‌شود. فارغ از اینکه جهان، مستقل از بازنمایی‌هایی که از آن صورت می‌گیرد، وجود دارد یا خیر. آنچه مسلم است، اینکه معنادار شدن جهان در گرو بازنمایی آن است. پس می‌توان گفت بازنمایی، شیوه‌ای است که از راه آن، ما واقعیت را واجد معنا می‌سازیم؛ همچنین معنایی که درباره خودمان و دیگران و جهان پیرامون خود ایجاد می‌کنیم، از راه بازنمایی با یکدیگر سهیم می‌شویم یا مورد مجادله قرار می‌دهیم (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۶). هال، سه رویکرد متفاوت را در زمینه بازنمایی از هم متمایز می‌کند و پس از نقد دو رویکرد اول، در توضیح رویکرد خود از مفهوم بازنمایی، به بررسی رویکرد سوم می‌پردازد. این سه رویکرد عبارت‌اند از: رویکردهای بازتابی، ارادی و برساخت‌گرایانه یا برساخت‌گرا (هال، ۱۳۸۶: ۷۲). با وجود این آنچه از اهمیت اساسی برخوردار است، راهبردها یا استراتژی‌های بازنمایی است که در دستور کار رسانه‌ها قرار می‌گیرد. در سیاست بازنمایی، به راهبردهایی اشاره می‌شود که از راه آن، عمل بازنمایی انجام می‌پذیرد (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۹). نمودار ۱ مهم‌ترین این راهبردها را که در ادامه به‌اختصار توضیح داده می‌شود، نشان می‌دهد.

نمودار ۱. مهم‌ترین راهبردهای در سیاست بازنمایی



منبع: اقتباس از مهدی‌زاده، ۱۳۸۹

۲.۱. راهبرد حاشیه‌رانی

رسانه‌های جمعی به‌طور عام و مطبوعات به‌طور ویژه از مهم‌ترین عرصه‌های ظهور نزاع‌های گفتگومانی برای تثبیت معناست. یکی از ابزارهای مؤثر در شناسایی این نزاع‌ها، درون مطبوعات استفاده از تکنیک حاشیه‌رانی است. برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی سازوکاری است که به‌واسطه آن سعی می‌کنند نقاط قوت خود را برجسته سازند و نقاط ضعف خود را به حاشیه برانند و پنهان کنند و برعکس، نقاط قوت غیر یا دیگری را به حاشیه برانند و نقاط ضعف او را برجسته سازند. در هر صورت برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی سازوکاری برای تقویت ما و تضعیف دیگری است و بسته به شرایط و امکاناتی که در اختیار دارند، از شیوه‌های مختلفی برای برجسته‌سازی ما و حاشیه‌رانی دیگری بهره می‌گیرند. از مؤثرترین و ناپیداترین شیوه‌ها استفاده از زبان و مطبوعات است (یورگنس و فیلیس، ۱۳۸۹: ۲۸). حاشیه‌رانی شیوه‌ای برای حفظ و استمرار قدرت است. بدین‌ترتیب، قدرت هم به تولید معنا می‌پردازد و هم با به‌کارگیری ابزارهای انضباط و انقیاد، دیگری را حذف و طرد می‌کند. به کمک همین سازوکار است که قدرت پشت یک گفتمان برای تأثیرگذاری بر ذهن سوژه‌ها و همراه‌سازی آنها با خواست قدرت اقدام به تولید اجماع و تعریف نشانه‌ها به شیوه‌های ویژه در میان جامعه کرده و همزمان سعی می‌کند با ساختارشکنی گفتمان رقیب، هژمونی‌اش را بشکند. در حقیقت برجسته‌سازی با تولید اجماع، چهره قدرت را طبیعی و بدیهی جلوه می‌دهد و آن را از نظرها پنهان می‌کند (سلطانی‌فر و هاشمی، ۱۳۸۲: ۱۱۲).

در حقیقت همین راهبرد رسانه‌ای قدرت است که در سوی مقابل آن تحلیلگران انتقادی را وامی‌دارد تا رسالت خود را نشان دادن این موارد و روشن ساختن زوایای پنهان این شیوه‌ها در افکار عمومی بدانند تا ضمن ایجاد هوشیاری اجتماعی، جلوی بازتولید نابرابری‌ها در اجتماع را بگیرند. برای مثال هنگامی که یک دولت وابسته به کارتل‌های سرمایه‌داری در یک کشور

اروپایی بر سر کار است، رسانه‌های وابسته به دولت با برجسته‌سازی رشد اقتصادی، نابرابری ناشی از رشد اقتصادی در کشور را از نظرها دور نگه‌می‌دارند. در این شرایط وظیفه تحلیلگر انتقادی نشان دادن نقاط برجسته‌شده در رسانه‌های جمعی دولتی و آشکارسازی ضعف‌ها برای همگان است تا از این راه سلطه و نابرابری موجود در جامعه آشکار شود (یورگنس و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۳).

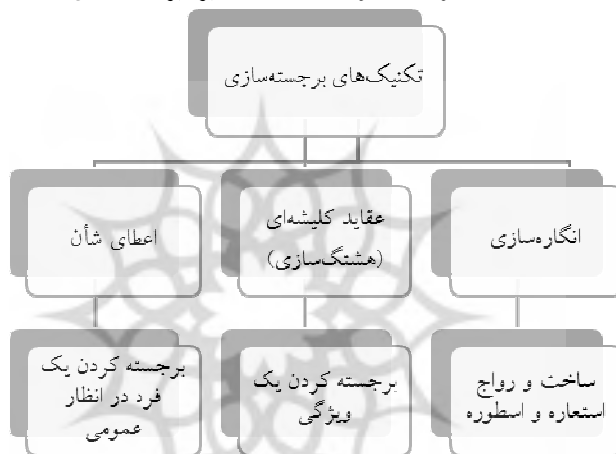
۲.۲. راهبرد برجسته‌سازی

برجسته‌سازی در عرصه رسانه از راهبردهای مهم به‌شمار می‌رود که براساس آن موضوعی به‌عنوان مسئله اصلی در رسانه به مخاطب عرضه می‌شود. در این راهبرد رسانه‌ها با بزرگ‌نمایی و مهم نشان دادن مطالب یا اخبار دلخواه را به مخاطبان می‌گویند که به چه چیزی بیشتر فکر کنند. این دیدگاه مدعی تأثیر رسانه‌ها بر شناخت و نگرش افکار مردمی و تعیین اولویت‌های ذهنی آنان با انتخاب و برجسته‌سازی بعضی عناوین و رویدادها در قالب خبر و گزارش‌های خبری است. برجسته‌سازی به معنی اولویت‌گذاری در برنامه‌ای ویژه نیز است؛ اما در اصطلاح می‌توان گفت «برجسته‌سازی موضوع‌هایی را که مردم درباره آنها می‌اندیشند، تعیین می‌کند» و نیز گفته شده است: «ممکن است در اغلب اوقات، مطبوعات موفق نشوند به اشخاص بگویند چگونه فکر کنند، اما با تأثیر فوق‌العاده‌ای که بر آنها دارند، می‌توانند بگویند به چه چیز باید فکر کنند» (Carment, 2003).

برجسته‌سازی نه تنها مدعی رابطه مثبت بین آن چیزی است که رسانه‌های اجتماعی بر آن تأکید می‌کنند و آنچه مخاطبان به‌عنوان امر مهم به‌شمار می‌آورند، بلکه همچنین این تأثیرگذاری را به‌عنوان فرآورده گریزناپذیر جریان عادی اخبار تلقی می‌کند. هر روز، سردبیران و دبیران اخبار - خبربانان در سیستم رسانه‌ای خبر - باید تصمیم بگیرند که کدام عنوان خبری می‌تواند پذیرفته یا رد شود. بعضی از این عنوان‌ها به‌سرعت در قالب اخبار رادیویی و تلویزیونی پخش می‌شوند، ولی بقیه سانسور می‌شوند یا بعدها این موقعیت را پیدا می‌کنند. از راه اندازه تیترو مکان قرار گرفتن آن در صفحه روزنامه، جراید آشکارا به یک خبر بها و ارزش می‌دهند. برجسته‌سازی ادعا می‌کند که مخاطبان، این برجستگی‌ها را از رسانه‌های خبری می‌گیرند و آن را همراه با مجموعه مشابهی از ارزش‌ها در دستور کارهای شخصی خود می‌گنجانند (Carment, 2003:1). به این ترتیب در یک کارکرد ارتباطی، برجستگی بیشتر یک مبحث یا یک موضوع در رسانه‌های عمومی، موجب برجستگی همان مبحث یا موضوع در میان مردم می‌شود.

شأن اعطایی بیانگر توانایی رسانه‌ها برای تأثیرگذاری بر اهمیت یک فرد (هدف) در انظار عمومی است. مفهوم عقاید کلیشه‌ای، درباره اهمیت صفات و ویژگی‌هاست. برای مثال همه اسکاتلندی‌ها خسیس‌اند. مفهوم انگاره‌سازی که اکنون بخشی از تکنیک مبارزه سیاسی است، دستکاری در برجسته‌سازی هدف‌ها و نیز صفات را شامل می‌شود. یک انگاره سیاسی به افزایش آشنایی عمومی با نامزدهای موردنظر (شأن اعطایی) یا افزایش اهمیت درک‌شده برخی صفات یک نامزد می‌پردازد. نمودار ۲ انواع این تاکتیک‌ها را ذیل راهبرد برجسته‌سازی و نقطه تمرکز آن نشان می‌دهد.

نمودار ۲. فنون مختلف در راهبرد برجسته‌سازی



منبع: نگارندگان

۲.۳. راهبرد کلیشه‌سازی

کلیشه‌سازی کنشی معناسازانه است. وندایک باور دارد که تعصب‌ها و کلیشه‌ها، بر همه فرایندهای پردازش اطلاعات، یعنی خواندن، فهم و به‌خاطر سپردن گفتمان اثر می‌گذارد. بنابراین هرچه در فرایند پردازش اطلاعات دخیل است، می‌تواند ابزار کلیشه‌سازی باشد؛ از تأثیر فناوری گرفته تا ساختارهای روان‌شناختی افراد (وندایک، ۱۳۸۲: ۲۹۸). در بررسی راهبرد کلیشه‌سازی در نظریه بازنمایی، عرف عام مفهوم دیگری است که باید مورد توجه قرار بگیرد. حال این مفهوم را از گرامشی اخذ می‌کند و آن را به یکی از محوری‌ترین مباحث مطالعات فرهنگی بدل می‌کند. در جامعه‌شناسی گرامشی، عرف عام، به دانش مورد توافق بین یک گروه یا طبقه ویژه‌ای از افراد گفته می‌شود که سبب ایجاد دیدگاهی مشترک در بین آن افراد می‌شود و از آنجا که این دانش به‌وسیله نهادهای مبتنی بر قدرت شکل می‌گیرد، مترادف و هم‌عرض با

عقل جمعی نیستند (Henry & Tator, 2002: 82). در این برداشت، قدرت واقعی نظام حکومتی در خشونت طبقه حاکم یا قدرت اجبار نهفته نیست، بلکه در این است که حکومت‌شوندگان «مفهومی از جهان» را که به صورت عقلانی از سوی طبقه حاکم عرضه شده است، پذیرفته‌اند. ردیابی این دیدگاه همچنین می‌تواند ما را به برداشت‌های گفتمانی که فوکو در پسا‌ساختارگرایی مورد توجه قرار می‌دهد، رهنمون سازد؛ به گونه‌ای که جامعه با پذیرش گفتمان مورد نظر حاکمان به صورت خودبه‌خودی به تداوم قدرت او مشروعیت می‌دهد.

۲.۴. راهبرد طبیعی‌سازی

راهبرد مهم دیگر بازنمایی، طبیعی‌سازی است. طبیعی‌سازی فرایندی است که در آن، ساخت‌های اجتماعی، فرهنگی و تاریخی، به صورتی عرضه می‌شوند که گویی اموری بدیهی و طبیعی‌اند (گیویان و سروی زرگر، ۱۳۸۸: ۱۳). مفهوم طبیعی‌سازی در گویاترین و کامل‌ترین شکل، در آثار رولان بارت و ذیل عنوان اسطوره‌سازی مطرح شده است. او می‌گوید به طور مشخص کارکرد اسطوره، تحریف کردن، مخدوش کردن و ناپدید کردن است (بارت، ۱۳۸۰: ۹۷). اسطوره گفتاری است که به شیوه مفرط، موجه جلوه داده می‌شود. معانی و بازنمایی رسانه‌ای، اگرچه برساخته‌ای اجتماعی و فرهنگی است، ایدئولوژی و گفتمان سعی می‌کند آن معانی و بازنمایی را امری طبیعی و فراگفتمانی و فرازبانی جلوه دهد. از این رو، یکی از راهبردهایی که در ایدئولوژی و گفتمان به کار می‌رود تا در قالب عقل سلیم درآید، طبیعی‌سازی است. طبیعی‌سازی، نه امری طبیعی که محصول و فراورده‌ای اجتماعی و فرهنگی است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹: ۴۳). جان فیسک در این زمینه بیان کرده است معنا زمانی ایجاد می‌شود که واقعیت و انواع بازنمایی و ایدئولوژی در یکدیگر ادغام شوند و به نحوی منسجم و در ظاهر طبیعی به وحدت برسند (فیسک، ۱۳۸۰: ۱۲۶). از این رو وظیفه نقد نشانه‌شناختی و فرهنگی این است که این وحدت را واسازی کند و نشان دهد که طبیعی به نظر آمدن این وحدت، ناشی از تأثیر بسزای رمزهای ایدئولوژیک بر آن است (Brecher, 1979: 176).

۳. روش‌شناسی تحلیل متن و کاربرد آن در تحلیل رسانه‌ها

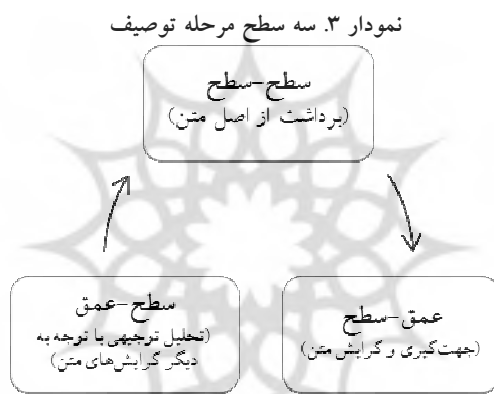
پیوند وثیق و مرز باریک میان نظریه‌های بازنمایی رسانه‌ای با نظریه‌های تحلیل گفتمان امکان تفکیک روش‌شناسی و انتخاب یک روش مشخص را با مشکل مواجه می‌سازد. این مهم به طور ویژه در روش‌های همسو با تحلیل گفتمان مشهود است؛ به گونه‌ای که تلاش‌های برخی نظریه‌پردازان تحلیل گفتمان برای ارائه روش‌شناسی مشخص تاکنون ناموفق بوده است یا اینکه خود این نظریه‌پردازان در اصل ارائه چارچوب روش‌شناسی را با ذات دیدگاه‌های گفتمانی در

تعارض می‌دانند. با وجود این، برخی تلاش‌ها نیز برای ارائه فرایندهای روشی در کاربست شیوه‌های تحلیل کیفی دربرگیرنده محتوایی یا گفتمانی صورت گرفته که گاه تا تولید الگوریتم‌هایی برای نرم‌افزارهای کمکی نیز پیش رفته است. با این حال، از آنجا که تمرکز اصلی ما بر تحلیل کیفی متن است، تلاش خواهد شد ضمن تشریح برخی روش‌های مطرح، با اقتباس از آن و گزاره‌های برگرفته از نظریه‌های بازنمایی، دیدگاهی تلفیقی را پیش ببریم، به‌گونه‌ای که هم امکان کاربست تکنیکی روش وجود داشته باشد و هم از تحلیل گفتمان به‌ویژه در رویکردهای انتقادی آن فاصله بگیریم. در مورد اینکه فرایند روش‌شناسی و مراحل عملیاتی این کار چگونه باشد، محل چالش است. همان‌گونه که اشاره شد، یکی از رویکردهای اصلی که مرز باریکی با روش‌های تحلیل گفتمان دارد، روش تحلیل محتوای کیفی است. تحلیل محتوا روشی است که می‌توان آن را درباره انواع پیام‌های نوشته شده در آثار ادبی، مقاله‌ها، اسناد رسمی، خطابه‌ها، اعلامیه‌های سیاسی، گزارش‌های اجتماعات، برنامه‌های شنیداری و دیداری و گزارش مصاحبه‌های نیمه‌رهنمودی به‌کار بست.

واژه‌هایی که نویسنده، سخنران یا پاسخگو به‌کار می‌برد، بسامد آنها، وجه آرایش آنها در جمله، ساختمان خطابه و چگونگی بسط آن، منابع اطلاعاتی هستند که بر مبنای آنها پژوهشگر می‌کوشد به شناختی دست یابد. این شناخت ممکن است درباره خود گوینده باشد. برای مثال شیوه جامعه‌پذیری در سخنرانی‌های علمی یا دینی، کتاب‌های درسی یا درباره تجربه‌ای تعارض‌آمیز همچون تبلیغات زمان جنگ. روش‌های تحلیل محتوا ایجاب می‌کند که از فنون به‌نسبت دقیقی استفاده شود، مثل محاسبه بسامدهای نسبی یا همبستگی‌هایی که میان واژه‌ها وجود دارد. برخلاف زبان‌شناسی، هدف تحلیل محتوا در علوم اجتماعی فهم کارکرد زبان به‌عنوان زبان نیست. کریپندورف، با اقتباس از استملر بیان می‌کند که برای هدایت یک طرح تحلیل محتوا باید به شش سؤال اساسی توجه کرد: ۱. چه داده‌هایی تحلیل می‌شود؟ ۲. چگونه این داده‌ها تعریف می‌شوند؟ ۳. از چه جمعیتی استخراج می‌شوند؟ ۴. در رابطه با چه زمینه‌ای این داده‌ها تحلیل می‌شوند؟ ۵. مرزها و حدود تحلیل کدام است؟ ۶. هدف استنتاج‌ها چیست؟ (کریپندورف، ۱۳۸۳). بورگ و گال نیز برای انجام پژوهش با استفاده از تحلیل محتوا چند مرحله را لازم می‌دانند: مشخص کردن اهداف، تعیین جایگاه داده‌های موردنظر، جمع‌آوری شواهد زمینه‌ای، نمونه‌گیری، تعیین واحدهای کدگذاری و اجرای شیوه‌های کدگذاری (Borg & Gall, 1989).

با این حال، در این رویکرد روش‌شناسی نیز تلاش‌های زیادی برای ارائه یک استاندارد و چارچوب روش‌شناسانه که امکان پیشبرد پژوهش را میسر کند، صورت گرفته است که یکی از آنها روش موسوم به «روش عملیاتی تحلیل گفتمان» (پدام) است. این روش اگرچه با هدف

تحلیل گفتمان طراحی شده است، می‌تواند بخش‌های فراوانی از رویکرد تحلیل محتوای کیفی را پوشش دهد. روش پدام به صورت کلی همچون روش فرکلاف، شامل سه مرحله کلان «توصیف»، «تفسیر» و «تبیین» است که این سه مرحله به پنج سطح تحلیلی «سطح - سطح»، «عمق - سطح»، «سطح - عمق»، «عمیق» و «عمیق‌تر» تقسیم شده‌اند (بشیر و کرم‌فر، ۱۳۹۳: ۱۵). در این پژوهش، با اقتباس از پدام، بر مرحله توصیف و سه سطح از سطوح روش‌شناسی برگرفته از آن تمرکز می‌کنیم. به عبارت دیگر، تلاش ما پیگیری راهبردهای بازنمایی به‌ویژه در سطح برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی است و از این منظر سطوحی از تحلیل پدام که با روش‌شناسی تحلیل کیفی متن سازگاری دارد و امکان تحلیل را در نتیجه‌گیری برای تشریح بازنمایی می‌دهد، استفاده می‌کنیم.



منبع: (بشیر و کرم‌فر، ۱۳۹۳: ۱۴)

در این سه سطح از مرحله «توصیف»، تحلیل‌گر به دنبال آن خواهد بود که میان دو معنای «تحت‌اللفظی» و «ضمنی» نوعی رابطه معنایی فراتر از متن ایجاد کند. در گام اول باید به متن در کلیت خود توجه شود (سطح - سطح). در اینجا، متون (جمله‌های) موردنظر که با هدف تحلیل سازگاری تام دارند، گزینش می‌شوند. در سطح بعدی (عمق - سطح)، به معنای ضمنی همان متن گزینشی، به‌طور کامل ولی با توجه به هدف تحلیل، توجه می‌شود. در سطح سوم (سطح - عمق)، معنای ضمنی به‌دست‌آمده (عمق - سطح) از متون گزینشی، با معناهای ضمنی کل متن، مقایسه شده، معنای جدید برای هر متن گزینشی تعیین و درج می‌شود (بشیر و کرم‌فر، ۱۳۹۳: ۱۴). پس از استخراج اطلاعات مربوط به هر متن، برای هر پایگاه خبری، این اطلاعات، پایه اصلی تحلیل فرامتن را

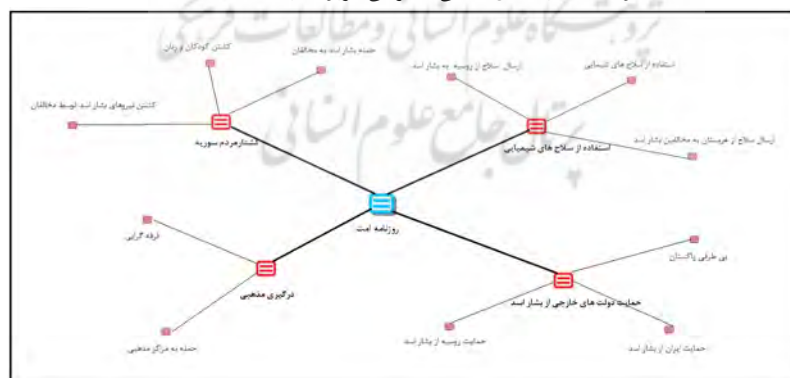
تشکیل می‌دهند. مجموعه خبرهای هر رسانه مذکور پس از استخراج مقوله‌ها و کارویژه‌های متنی، در نهایت تحلیل و تفسیر فرامتنی شده است. برای این منظور از نرم‌افزار «مکس کیودی»^۱ مناسب برای تحلیل کیفی استفاده شده است.

در این پژوهش، برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهشی، سرتیترها و برخی تحلیل‌ها در سه رسانه روزنامه جنگ، روزنامه امت و سایت خبری اسلام تایمز در بازه زمانی ۲۰۱۸ - ۲۰۱۱ انتخاب شدند، و تلاش شد که نحوه بازتاب سیاست در روزنامه‌ها، استفاده متفاوت این روزنامه‌ها از زبان و عوامل پیدا و پنهان شکل‌گیری و ابراز ایدئولوژی در این روزنامه‌ها نشان داده شود. به منظور دستیابی به داده‌های عینی‌تر و ملموس‌تر در این پژوهش با توجه به سه سطح نخست الگوی تحلیل گفتمان پدام، فرمی به‌منظور استخراج عملی اطلاعات و بر مبنای بایسته‌های ویژه این پژوهش طراحی شد که افزون‌بر اینکه به بررسی مقوله‌ها می‌پردازد، اطلاعات شناسنامه‌ای متن شامل شماره مطلب، روز هفته، تاریخ انتشار، نویسنده، عنوان / تیتر و همچنین سایر مؤلفه‌هایی که بتوان به کمک آنها ساختار متن هریک از روزنامه‌ها را بازشناسی کرد، پوشش می‌دهد.

۴. تحلیل گفتمان سه روزنامه جنگ، امت و اسلام تایمز

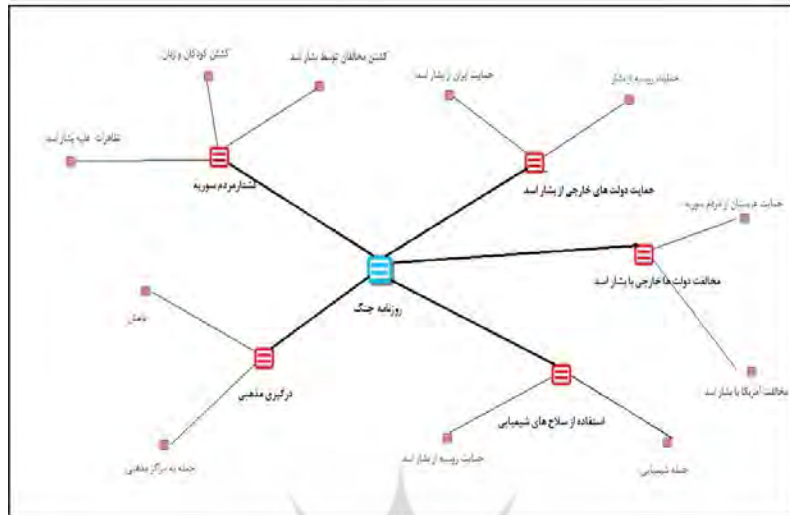
نمودارهای زیر با توجه به منطق فراوانی و رابطه میان مقوله‌های شامل تبادلی، رابطه‌ای و اشتراکی، چگونگی استخراج مقوله‌های اصلی و محوری را در انعکاس بحران سوریه در سه رسانه امت، جنگ و اسلام تایمز نشان می‌دهد. این نمودار همچنین مشخص می‌کند که از مجموع کل محتوای ثبت‌شده پرتکرارترین مقوله‌ها کدام‌اند.

نمودار ۴. طبقه‌های اصلی و فرعی مربوطه به روزنامه امت



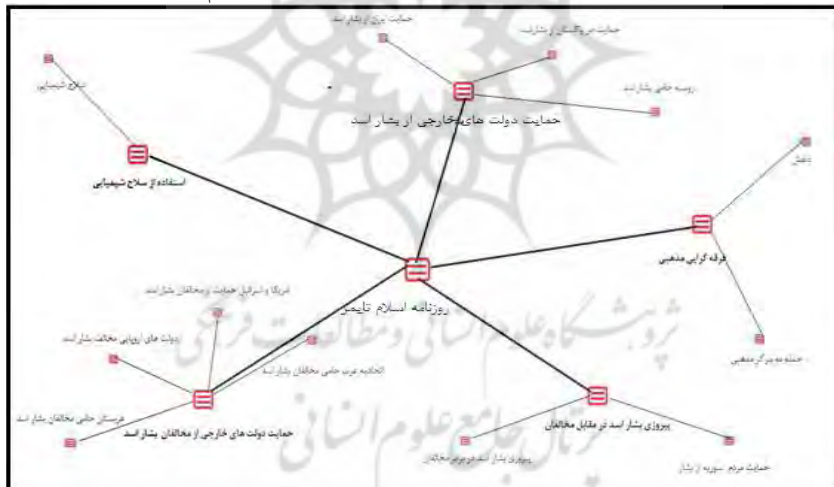
منبع: نگارندگان

نمودار ۵. طبقه‌های اصلی و فرعی مربوطه به روزنامه جنگ



منبع: نگارندگان

نمودار ۶. طبقه‌های اصلی و فرعی مربوطه به روزنامه اسلام تایمز



منبع: نگارندگان

با توجه به مجموعه روابط احصاشده، جدول‌های زیر مقوله‌های محوری و فرعی مورد تأکید در سه رسانه را به‌طور خلاصه نشان می‌دهند.

جدول ۱. مقوله‌های اصلی و فرعی روزنامه امت پاکستان در بحران سوریه

مقوله‌های محوری	محتوای متن (مقوله‌های فرعی)
۱. کشتار مردم سوریه	۱.۱ کشتن کودکان و زنان
	۱.۲ حمله بشار اسد به مخالفان
	۱.۳ کشتن نیروهای بشار اسد از سوی مخالفان
۲. استفاده از سلاح‌های شیمیایی	۲.۱ استفاده از سلاح‌های شیمیایی
	۲.۲ ارسال سلاح از عربستان به مخالفان بشار اسد
	۲.۳ ارسال سلاح از روسیه به بشار اسد
۳. پشتیبانی دولت‌های خارجی از بشار اسد	۳.۱ پشتیبانی ایران از بشار اسد
	۳.۲ پشتیبانی روسیه از بشار اسد
۴. پشتیبانی دولت‌های خارجی از مخالفان بشار اسد	۴.۱ پشتیبانی مالی عربستان از نیروهای مخالف بشار اسد
	۴.۲ بی‌طرفی پاکستان
۵. فرقه‌گرایی مذهبی	۵.۱ فرقه‌گرایی
	۵.۲ حمله به مراکز مذهبی

منبع: نگارندگان.

جدول ۲. مقوله‌های اصلی و فرعی روزنامه جنگ پاکستان در بحران سوریه

مقوله‌های محوری	مقوله‌های فرعی
۱. کشتار مردم سوریه	۱.۱ کشتن زنان و کودکان
	۱.۲ کشتن مخالفان از سوی بشار اسد
	۱.۳ تظاهرات علیه بشار اسد
۲. پشتیبانی دولت‌های خارجی از بشار اسد	۲.۱ پشتیبانی ایران از بشار اسد
	۲.۲ پشتیبانی روسیه از بشار
۳. استفاده از سلاح‌های شیمیایی	۳.۱ حمله شیمیایی
۴. پشتیبانی دولت‌های خارجی از مخالفان بشار اسد	۴.۱ پشتیبانی عربستان از مردم سوریه
	۴.۲ مخالفت امریکا با بشار اسد
	۴.۳ پشتیبانی پاکستان از مردم سوریه
۵. فرقه‌گرایی مذهبی	۵.۱ داعش
	۵.۲ حمله به مراکز مذهبی

منبع: نگارندگان.

جدول ۳. مقوله‌های اصلی و فرعی روزنامه اسلام تایمز پاکستان در بحران سوریه

مقوله‌های فرعی	مقوله‌های محوری
۱.۱ سلاح شیمیایی	۱. استفاده از سلاح شیمیایی
۲.۱ آمریکا و اسرائیل پشتیبانی از مخالفان بشار اسد	۲. پشتیبانی دولت‌های خارجی مخالفان بشار اسد
۲.۲ غرب حامی مخالفان بشار اسد	
۲.۳ اتحادیه عرب حامی مخالفان بشار اسد	
۲.۴ عربستان حامی مخالفان بشار اسد	
۲.۵ دولت‌های اروپایی مخالف بشار اسد	
۳.۱ روسیه حامی بشار اسد	۳. پشتیبانی دولت‌های خارجی از بشار اسد
۳.۲ پشتیبانی ایران از بشار اسد	
۳.۳ پشتیبانی در پاکستان از بشار	
۴.۱ پیروزی بشار اسد در برابر مخالفان	۴. پیروزی بشار اسد در مقابل مخالفان
۴.۲ پشتیبانی مردم سوریه از بشار	
۵.۱ داعش	۵. فرقه‌گرایی مذهبی
۵.۲ حمله به مراکز مذهبی	

منبع: نگارندگان

۵. نتیجه

بررسی‌های انعکاس بحران سوریه در رسانه‌های پاکستانی نشان می‌دهد که روزنامه‌های امت و جنگ تلاش کرده‌اند تا نکات منفی نظام بشار اسد را برجسته کنند و حکومت بشار را ظالم و مخالف ملت سوریه جلوه دهند. در بازنمایی انجام‌گرفته از سوی روزنامه امت، حکومت سوریه در حال سقوط قطعی است و کشورهای روسیه، ایران و گروه‌های شیعی مانند حزب‌الله لبنان و غیره شریک جرم بشار در قتل‌عام مردم سوریه هستند. با وجود این روزنامه جنگ راه به‌نسبت معتدل‌تری را نسبت به روزنامه امت در پیش گرفته است و در تبیین وضعیت نابسامانی و کشتار مردم در سوریه افزون‌بر بشار اسد، داعش و مخالفان بشار را نیز مقصر می‌نماید. در بازنمایی روزنامه جنگ استفاده از سلاح‌های شیمیایی و همچنین حمله به اماکن مقدسه از جمله حرم حضرت زینب (ع) کار مخالفان بشار بر ساخته می‌شود. با نگاه بر بازنمایی و تحلیل گفتمان سایت اسلامی تایمز مشخص است که این رسانه حامی بقای بشار است. این رسانه بیشتر حوادث و واقعات مخالفان بشار را برجسته‌سازی کرده و آنها را آلت دست آمریکا، اسرائیل، غرب و عربستان سعودی خوانده است. این رسانه استفاده از سلاح شیمیایی را کارگروه‌های مخالف بشار توصیف کرده و آنان را دشمنان اسلام و مردم سوریه

جلوه داده است. بر اساس تحلیل‌های این رسانه، احزاب سیاسی و مردم پاکستان باید حامی بشار و دشمن داعش و مخالفان بشار باشند.

روزنامه‌های امت و جنگ انعکاس یا پوشش خبری خود از درگیری‌ها و حوادث سوریه را در چارچوب مشخص «دفاع از مخالفان دولت اسد و حامیان غربی و منطقه‌ای آنها و مقابله با دولت اسد و حامیان او (به‌ویژه ایران و روسیه)» و در برابر یا مقابل، روزنامه اسلام تایمز پوشش خبری رخدادها و درگیری‌های سوریه را در چارچوب «دفاع از دولت اسد و مقابله با مخالفان آن عربستان و حامیان غربی و منطقه‌ای آنها» قرار داده است. روزنامه امت و جنگ در انعکاس اخبار مربوط به ناآرامی‌های سوریه در بازه زمانی ۲۰۱۸-۲۰۱۱، در ابتدا با برجسته‌سازی حذف عضویت بشار اسد در اتحادیه عرب (اخذ شأن) و اعطای صندلی سوریه به ائتلاف ملی مخالفان در پی منزوی کردن اسد و مشروعیت بخشیدن به مخالفان به‌عنوان نماینده مردم بوده است (اعطای شأن). در مقابل، اسلام تایمز در پوشش اخبار مربوط به این بحران در همان بازه زمانی مسیر متفاوتی را پیموده است.

روزنامه امت با قرار دادن ایران و هم‌پیمان آن یعنی روسیه در کنار ارتش سوریه و اشاره به دخالت آنها در امور داخلی سوریه بر آن بوده، نگرانی‌های خود را از پشتیبانی‌های صورت‌گرفته از بشار اسد نشان دهد تا ایالات متحده و دیگر کشورهای غربی و حامی را در ارائه طرح‌های منسجم‌تر برای مقابله با بحران سوریه و جلوگیری از سرایت آن به دیگر کشورهای مهم منطقه ترغیب کند (برجسته‌سازی). افزون‌بر این روزنامه امت سعی کرده جمهوری اسلامی ایران را کشوری معرفی کند که مانع برقراری صلح و امنیت در سوریه است (برجسته‌سازی از راه کلیشه‌سازی). این روزنامه بر آن بوده با اشاره به شیعه بودن ایران و حزب‌الله و امکان واکنش‌های خطرناک از سوی این دو در صورت حمله امریکا به سوریه، ایران را بحران‌ساز و تهدیدی برای اسرائیل و کشورهای منطقه معرفی کند (کلیشه‌سازی). روزنامه امت در انعکاس درگیری‌های سوریه، از گفتمان ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی و مرتبط ساختن جمهوری اسلامی ایران با دولت بشار اسد و لبنان و حزب‌الله بهره گرفته است. این رسانه می‌کوشد با متهم نمودن کمک تسلیحاتی و نظامی، ایران و روسیه به ارتش سوریه، این دو کشور و بازیگر مهم را خطری برای جهانیان معرفی کند تا ضمن از بین بردن توجه جامعه بین‌المللی به جنایات گروه‌های افراطی مخالف و تحت پشتیبانی کشورهای عربی و غربی (حاشیه‌رانی)، ایران را در قضیه سوریه به انزوا بکشاند و از سویی اجماعی بین‌المللی یا جهانی را برای مقابله با ایرانی هسته‌ای که به‌زعم امت و تا حدی روزنامه جنگ تهدیدی برای همسایگان است، به‌وجود آورند (انگاره‌سازی از راه هلال شیعی).

در مقابل، اسلام تایمز تلاش کرده جمهوری اسلامی ایران را کشوری کلیدی و بسیار تأثیرگذار در منطقه و حامی صلح در سوریه نشان دهد (کلیشه‌سازی). اسلام تایمز با توجه به تلاش‌های رسانه‌های مقابل امت و جنگ که ایران را متهم به پشتیبانی کورکورانه از دولت بشار اسد و خطری برای منطقه معرفی کرده‌اند، با اشاره به اینکه سوریه هم از لحاظ جغرافیایی در بخش مهمی از خاورمیانه قرار گرفته، و هم از لحاظ سیاسی پیشرو در مبارزه علیه قدرت‌های زورگو در منطقه است، این کشور را ستون اصلی مقاومت در برابر هژمونی آمریکا و اسرائیل برمی‌سازد که هدف حمله‌های تروریستی شبه‌نظامیان مورد پشتیبانی غرب و کشورهای عربی و گروه‌های افراطی قرار گرفته است (انگاره‌سازی مقاومت) و در مقابل دسیسه‌های آمریکا و اسرائیل ایستادگی می‌کند (طبیعی‌سازی). روزنامه اسلام تایمز در بیشتر موارد از گفتمان مقاومت در برابر صهیونیسم استفاده کرده است. روزنامه امت با مقصر معرفی کردن بشار اسد در انجام حمله شیمیایی (برجسته‌سازی)، کوشیده است بشار اسد را تجاوزگر به قوانین بین‌المللی نشان دهد و جامعه جهانی و قدرت‌های جهان را به‌منظور برخورد با او مصمم کند (طبیعی‌سازی). روزنامه‌های امت و جنگ، دولت بشار را تهدیدی برای آمریکا و متحدانش در منطقه می‌دانند و با اشاره به تأخیر دولت انگلیس در تصمیم نظامی علیه سوریه در پی القای آن است که حمله به سوریه و سرنگونی بشار باید هرچه سریع‌تر انجام گیرد. این رسانه همچنین در پی آن است عربستان را کشوری دلسوز و در کنار مردم سوریه نشان دهد (کلیشه‌سازی). از سوی دیگر، روزنامه جنگ دلیل ریشه‌های شکل‌گیری داعش را زمینه‌های قومی و تبعیضی در حکومت دیکتاتوری بشار اسد می‌داند (برجسته‌سازی و همزمان حاشیه‌رانی). در مقابل روزنامه اسلام تایمز داعش را محصول ساخت کشورهای غربی و عربستان می‌داند.

در تحلیل عمیق‌تر متون سه رسانه پاکستانی از بحران سوریه نکات دیگری آشکار می‌شود: روزنامه امت نکات منفی دولت بشار را مانند ظلم بر اهل سنت، حمله به مساجد، حمله شیمیایی و کشتن کودکان و زنان، حمله ایران، روسیه و گروه‌های شیعی، اهمیت مسئله تشیع - ایران و روسیه به‌گونه‌ای منعکس می‌کند تا به دولت و احزاب مذهبی برای پشتیبانی از مخالفان بشار اسد فشار وارد کند. این متون و تأکید آن تلاشی مستقیم است بر جهت و توجیه دلایل دشمن بودن شیعیان و ایران با اهل سنت. در متون روزنامه امت بیشتر اهل سنت و کشورهای قدرتمند مورد مخاطب قرار دارند و اهل تشیع و ایران حتی بدتر از داعش جلوه داده شده است. متون خبری امت در ذیل تحلیل سیاسی در قالب گزارش و مقاله از تصویر کشیدن رابطه مثلث ایران، روسیه و شیعه بحث کرده که در ظلم بر اهل سنت سوریه نقش پررنگ‌تر از داعش و آمریکا دارند (دگرسازی و هویت‌سازی). روزنامه امت گروه‌های افراطی و مخالف بشار را مردم بی‌دفاع و مظلوم نشان داده و در بازنمایی خود تلاش کرده است از هر راه ممکن

در جهت‌دهی اهداف حامیان ایدئولوژیک افراطی خود برای ضربه زدن به نظام بشار اسد استفاده کند. این روزنامه با پشتیبانی عربستان و احزاب تندرو مذهبی موجود در پاکستان با استفاده از گفتمان مشروعیت‌بخشی به مخالفان بشار اسد و فشار بر حکومت سوریه، ایران‌هراسی و بی‌اعتبارسازی جمهوری اسلامی ایران، تصویر منفی از احزاب شیعی و تصویری مثبت از گروه‌های افراطی و مخالفان بشار اسد ارائه می‌دهد.

در مقایسه با این روزنامه، تحلیل سایت اسلام تایمز که رسانه مهمی در نمایندگی از گروه و احزاب شیعی و ایران است، بدون اشاره به نقش بشار در مشکلات سوریه، مخالفان را شورش و حامیان اسد را حامی دولت قانونی سوریه معرفی می‌کند؛ و با استفاده از گفتمان‌هایی چون مشروعیت‌زدایی از مخالفان بشار، دولت سوریه را قانونی دانسته و بر ایستادگی در برابر غرب و اسرائیل و غرب‌ستیزی تأکید داشته و دولت عربستان و آمریکا را عامل اصلی ناآرامی‌ها در سوریه دانسته، و تصویری مثبت از ایران و روسیه ارائه کرده است. ساخت و جمله‌بندی و واژه‌های به‌کاررفته در سایت اسلام تایمز به‌منظور افزایش و تأثیرپذیری از راه‌های مختلف تلقین و نقش مخرب مثلث عربستان سعودی، آمریکا و اسرائیل به تصویر کشیده شده است. در این سایت، بیشتر از جمله‌ها و کلماتی مانند «امریکای ظالم»، «اسرائیل جنایتکار»، «غرب و عربستان از شورشیان حمایت می‌کنند»، «سعودی عامل فتنه در جهان اسلام»، «داعش و تکفیری»- «دفاع از حرم حضرت زینب» و «ایران و حزب‌الله» استفاده شده است. در متون تک‌گویانه سایت اسلام تایمز به منافع بودن کشورهای عربی به‌ویژه عربستان سعودی، پشتیبانی کشورهای غرب از شورشیان تأکید شده است. این متون در پی نشان دادن آن است که اسد و حامیان آن در دفاع از اسلام جنگ و در حال پیروزی بر دشمنان اسلام یعنی آمریکا، اسرائیل و عربستان بوده، و دشمنان به‌دنبال شکست کشورهای حامی مقاومت هستند. در متون اسلام تایمز از رابطه اسرائیل با داعش و عربستان تصویری ساخته شده است که در پی حذف اسلام حقیقی از جهان هستند که مانع بزرگی بر سر راه ایران است. بررسی‌ها نشان می‌دهد در برابر گفتمان و بازنمایی دو رسانه بالا، رسانه جنگ در طول بحران سوریه به‌نسبت عمل محتاطانه و بی‌طرف را در پیش داشته است، اگرچه در اواخر بحران رویکرد این رسانه به روزنامه امت نزدیک‌تر شده است.

با وجود همه این تعارض‌ها، نقطه مشترکی که از سوی هر سه روزنامه مورد تأکید و به‌طور یکسان بازنمایی شده است، قضیه بی‌طرفی پاکستان در این بحران است که هر سه رسانه بر این خبر نظر واحد داشته‌اند که پاکستان خواستار حل بحران سوریه از راه مذاکره است. به‌طور کلی می‌توان گفت ۱. روزنامه امت، ذیل رویکرد بشارستیزی و تصویرسازی منفی از ایران و روسیه، ریشه‌های بحران سوریه را در نسبت با دخالت دولت‌های همسو و موافق با بشار اسد

بازنمایی می‌کند؛ ۲. در مقابل، سایت خبری اسلام تایمز در چارچوبی غالب و در دفاع از حاکمیت مشروع دولت سوریه از راه تصویرسازی و بازنمایی دخالت کشورهای غربی، به نقد و برجسته‌سازی نقش امریکا در بحران‌سازی سوریه و منطقه می‌پردازد؛ ۳. روزنامه جنگ با رویکردی متفاوت، مسئله مربوط به سوریه را مسئله‌ای داخلی ریشه‌دار و حل‌نشده در داخل کشور تصویرسازی می‌کند، به گونه‌ای که تجلیات بشارسستیزی (داخلی) را با دخالت کشورهای غربی و منطقه‌ای در بحران سوریه پیوند می‌زند. درحالی‌که میان جهت‌گیری کلان دو رسانه جنگ و امت شباهت‌های زیادی وجود دارد، تعارض شدید ناشی از معانی رانده‌شده به حوزه بیرون از متن میان دو رسانه امت و اسلام تایمز مشهود است، به گونه‌ای که در اولی (امت) بر بلوک ایران و روسیه به‌عنوان دشمن و در دومی (اسلام تایمز) بر بلوک غرب به نمایندگی از امریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای در قامت دشمن برجسته‌سازی می‌شود.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد؛ و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را که شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه‌ی سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره می‌شوند، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. اسدی، علی‌اکبر. (۱۳۹۱)، تابستان «بحران سوریه و تاثیر آن بر بازیگران و مسائل منطقه‌ای»، *فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام*، ۱۳، ۵۰: ۱۷۸-۱۴۷. در: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/64773/172> (۱۲ اسفند ۱۳۹۹).
۲. بارت، رولان. (۱۳۸۰)، پاییز «اسطوره در زمانه حاضر»، ترجمه یوسف اباذری، *فصلنامه ارغنون*، ۱۸: ۱۳۵-۸۵. در: <http://ensani.ir/fa/article/65566> (۱۲ اسفند ۱۳۹۹).
۳. بشیر، حسن؛ علی‌اصغر کرم‌فر. (۱۳۹۳)، پاییز «بازنمایی رسانه‌ای بحران سوریه در وب‌سایت‌های بی بی سی عربی، العربیه و العالم»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، ۱۱، ۳۸: ۱۲۲-۱۰۵. در: <http://enghelab.maaref.ac.ir/article-۱-۱۰۵۷-fa.html> (۲۳ فروردین ۱۳۹۸).
۴. سلطانی‌فر، محمد؛ شهناز هاشمی. (۱۳۸۲) پوشش خبری. تهران: انتشارات سیمای شرق.
۵. فیسک، جان. (۱۳۸۰) «فرهنگ تلویزیون»، ترجمه مژگان برومند، *فصلنامه ارغنون*، ۱۹: ۱۲۵-۱۴۲. در: <http://ensani.ir/fa/article/221169> (۱۲ اسفند ۱۳۹۹).
۶. قاسمیان، روح‌الله. (۱۳۹۲) *کنکاشی در تحولات سوریه؛ ریشه‌ها، بازیگران و پیامدها*. تهران: دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم.
۷. مهدی‌زاده، سید محمد. (۱۳۸۹) *رسانه‌ها و بازنمایی*. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
۸. کریپندورف، کلوس. (۱۳۹۱) *تحلیل محتوا، مبانی روش‌شناسی*، ترجمه هوشنگ ناییب. تهران: نشر نی.

۹. گیویان، عبدالله؛ محمد سروی زرگر. (۱۳۸۸) «بازنمایی ایران در سینمای هالیوود»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۲، ۴: ۱۷۷-۱۴۷. <DOI:10.7508/ijcr.2009.08.005>.
۱۰. ویندال، سون؛ بنو سیگنایترز، جین اولسون. (۱۳۷۶) کاربرد نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان برای مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۱۱. ون‌دایک، تیون آدریانوس. (۱۳۸۲) مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی، ترجمه پیروز ایزدی و دیگران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۱۲. هال، استوارت. (۱۳۸۶) غرب و بقیه: گفتمان و قدرت، ترجمه محمود متحد، تهران: نشر آگه.
۱۳. هال، استوارت. (۱۳۸۲) «غرب و بقیه: گفتمان و قدرت» در رابرت کاکس، دولت، فساد و فرصت‌های اجتماعی، ترجمه حسین راغفر. تهران: انتشارات نقش و نگار
۱۴. یورگنس، ماریانه؛ لوئیز فیلیپس. (۱۳۸۹) نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی. تهران: نی.

ب) اردو

۱۵. شمس‌الدین. (۲۰۰۲) ابلاغ عام کے نظریات. اسلام آباد: مقتدره قومی زبان.
۱۶. کوکر، محمد افتخار. (۱۹۹۵) تاریخ صحافت. اسلام آباد: مقتدره قومی زبان.
۱۷. ملک، زاهد. (۲۰۰۹) تعلقات عامه. اسلام آباد: مقتدره قومی زبان.

پ) انگلیسی

18. Borg, Walter R; and Meredith Damien Gall. (1989). *Educational Research: An Introduction*. New York & London: Longman, 5th ed.
19. Brecher, Michael. (1979, September) "State Behavior in International Crisis," *Journal of Conflict Resolution* 23, 3: 446-480. Available at: <http://www.jstor.org/stable/173866> (Accessed 12 April 2019).
20. Carment, David. (2003) "Assessing State Failure: Implications for Theory and Policy," *Third World Quarterly* 24, 3: 407-427. Available at: <http://www.jstor.org/stable/3993377> (Accessed 12 April 2019).
21. Hall, Stuart. (1997) *the Work of Representation, in Cultural Representation and Signifying Practice*. London: Sage Publication.
22. Henry, Frances; and Carol Tator. (2002) *Discourses of Domination: Racial Bias in the Canadian English-Language Press*. Toronto: University of Toronto Press.
23. Iqbal, Zafar. (2011) *Mass Media, the Politics and the Politicians: A Mismatched Troika of Pakistan*. Islamabad: Higher Education Commission of Pakistan.
24. Said, Edward W. (1985) *Orientalism*. Harmondsworth, UK: Penguin (Original Work Published in 1978).



Research Paper

Representation of the Syrian Crisis in the Pakistani Media to Advance Government Policy

Alireza Khosravi^{*1}, Muhammad Hussain Hussaini²

¹ Assistant Professor, International Relation Department, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Iran

² PhD in International Relation, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Iran

Received: 26 January 2020, Accepted: 14 March 2022

© University of Tehran

Abstract

Iran and Saudi Arabia, which enjoy good relations with Pakistan, were engaged in a proxy war during the Syrian crisis. The tensions between the two regional rivals over Syria posed a major challenge for Pakistan. On the one hand, Pakistan could not give up its friendship with its western neighbor with which it shares long and strategic borders and security concerns. On the other hand, Pakistan's close ties with Saudi Arabia did not allow Karachi to abandon its strategic cooperation with the oil-rich Kingdom. Every year, Riyadh provides billions of dollars in cash and credit to the Pakistani government in addition to extending cultural aid, humanitarian aid and other forms of assistance such as discounts on oil prices and loan forgiveness and discharge of the remaining balance on past credits. Pakistan's dependency is not limited to the economic or military dimensions of Saudi-Pakistan bilateral relations, and extends to cultural and religious domains because of the importance of Mecca and Medina as the holiest of Moslim cities and Pakistani people's interest in hajj (pilgrimage) to Mecca. In addition to the challenges of balancing its relations with these two regional states and other foreign policy issues, Pakistan's political leaders are faced with threatening domestic challenges due to the existing conflicts between different religious and sectarian spectrums ranging from moderates to extremist groups in Pakistani society. The power struggle and factional conflicts pose great challenges for the Pakistani decision-makers who have tried to find effective ways for public opinion management.

This brings us to the main objective of the present study —to examine how the Syrian crisis has been portrayed in the media in Pakistan, which is considered one of the most important countries in South Asia in terms of active media. It has dozens of television news networks and hundreds of newspapers operating nationally and locally in the country and enjoying relatively high levels of freedom of the press. However, some of them have

* Corresponding Author Email: ali.khosravi@ut.ac.ir

been influenced by powerful political parties and the country's rulers. By focusing on three media: *Ummat* newspaper, *Jang* newspaper and *Islam Times* news site and using qualitative content analysis method, "Pedam" approach and analytical software, the authors attempt to find out how Syrian crisis were represented in these three Pakistani media outlets by using different types of strategies (e.g., highlighting, marginalization, conceptualization, and naturalization). It is certain that the meaning of the world depends on its representation. Representation, then, is the way in which we make reality meaningful. We create meanings about ourselves, others and the world around us, and we share or argue with each other through representation.

The findings show that the *Ummat* newspaper with its anti-Bashar orientation and negative portrayal of Iran and Russia, claims that the roots of the Syrian crisis lie in the intervention of these pro-Bashar Assad governments that are aligned with Syria. The *Islam Times* news site seeks to defend the legitimate sovereignty of the Syrian government by concentrating on Western intervention, and criticizing and highlighting the US role in creating the crisis in Syria and the region. *Jang* newspaper has adopted a different approach, and has portrayed the crisis as a deep-rooted and unresolved domestic issue in Syria, and has introduced the intervention of Western and regional countries in support of (or in opposition to) Bashar Assad as a result of domestic anti-Bashar forces. While there are many similarities between the macro-orientation of the two media outlets of *Jang* and the *Ummat*, the clear differences arising from the meanings pushed out of context in the two media outlets of the *Ummat* and the *Islam Times* is evident. In the former (*Ummat*), the Iran-Russia bloc is highlighted as an enemy, and in the latter (*Islam Times*), the Western bloc is represented as an enemy taking side with the United States and its regional allies. Beyond the contradicting representation of the Syrian crisis in the three media outlets, we found that they represent three different segments of Pakistani society. However, these media outlets were in fact instilling in their audience the need for Pakistan's neutrality. Consequently, they made it possible for the Pakistani government to achieve its goal of public opinion management in the Syrian crisis through the media in order to advance its own policy agenda.

Keywords: Syrian Crisis, Representation, Pakistani Media, Jang, Ummat, Islam Times

Declaration of conflicting interests

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

Funding

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

ORCID iDs: <https://orcid.org/0000-0002-1733-9356>

References

- Asadi, Ali Akbar. (Summer 2012) "(Bohrān-e soriyeh va tasir-e ān bar bāzigarān va masāel-e mantagheh'ī (The Syrian Crisis and its Impact on Actors and Regional Issues)," *Faslnāmeḥ-ye Motāleāt-e rāhbord-ye jahān-e eslām (Journal of Strategic Studies of the Islamic World)* 13, 50: 178-147. Available at: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/64773/172> (Accessed 2 March 2021). [in Persian]
- Bart, Roland. (2001, Fall) "Ostoreh dar zamān-e hāzer (Myth in the Present Time)," trans. Yousef Abazari, *Faslnāmeḥ-ye Arghanon (Arghanon Journal)* 18: 85-135. Available at: <http://ensani.ir/fa/article/65566> (Accessed 2 March 2021) [in Persian]
- Bashir, Hassan; and Ali Asghar Karamfar. (2014, Fall) "(Representation of the Syrian Crisis Media in the Websites of the BBC Arabic, Al-Arabiya and Al-Alam)," *Motāleāt-e enghelāb-e eslāmī (Islamic Revolution Studies)* 11, 38: 105-122. Available at: <http://enghelab.maaref.ac.ir/article-1-1057-fa.html> (Accessed 12 April 2019). [in Persian]
- Borg, Walter R; and Meredith Damien Gall. (1989). *Educational Research: An Introduction*. New York & London: Longman, 5th ed.
- Brecher, Michael. (1979, September) "State Behavior in International Crisis," *Journal of Conflict Resolution* 23, 3: 446-480. Available at: <http://www.jstor.org/stable/173866> (Accessed 12 April 2019).
- Carment, David. (2003) "Assessing State Failure: Implications for Theory and Policy," *Third World Journal* 24, 3: 407-427. Available at: <http://www.jstor.org/stable/3993377> (Accessed 12 April 2019).
- Cooker, Mohammad Iftikhar. (1995) *History of Journalism*. Islamabad: Moghtadereh ghomi zaban. [in Urdu]
- van Dijk, Teun Adrianus. (2003) *Motāleāti dar tahlil-e goftemān: az dastor-e matn tā goftemān'kāvi-ye enteghādi (Studies in Discourse Analysis: From Text Grammar to Critical Discourse Analysis)*, trans. Pirooz İzadi, et al. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, Center for Media Studies and Research. [in Persian]
- Fisk, John. (2001) "Farhang-e television (Television Culture)," trans. Mojgan Boroumand, *Faslnāmeḥ-ye Arghanon (Arghanon Journal)* 19: 125-142. Available at: <http://ensani.ir/fa/article/221169> (Accessed 2 March 2021). [in Persian]
- Givian, Abdollah; and Mohammad Sarvi Zargar. (2009) "Baznamāi-ye Īrān dar sinamā-ye hālivood (Representation of Iran in Hollywood Cinema)," *Faslnāmeḥ-ye tahghihat-e farhangi-ye Īrān (Journal of Iranian Cultural Research)* 2, 4: 177-147, <DOI: 10.7508 / ijcr.2009.08.005>. [in Persian]
- Hall, Stuart. (1997) *The Work of Representation, in Cultural Representation and Signifying Practice*. London: Sage Publication.
- Hall, Stuart. (2007) *Gharb va baghiyeh: goftemān va ghodrat (The West and the Rest: Discourse and Power)*, trans. Mahmoud Motahed. Tehran: Agah. [in Persian]
- Hall, Stuart. (2003) "Gharb va baghiyeh: goftemān va ghodrat (The West and the Rest: Discourse and Power," in Robert Cox, ed. *Government,*

- Corruption, and Social Opportunity*, trans. Hossein Raghfar. Tehran: Naghsh va Negar. [in Persian]
- Henry, Frances; and Carol Tator. (2002) *Discourses of Domination: Racial Bias in the Canadian English-Language Press*. Toronto: University of Toronto Press.
- Iqbal, Zafar. (2011) *Mass Media, the Politics and the Politicians: A Mismatched Troika of Pakistan*. Islamabad: Higher Education Commission of Pakistan.
- Jørgensen, Marianne W.; and Louise J. Phillips. (2002) *Nazariey va ravesh dar tahlil-e goftemān (Discourse Analysis as Theory and Method)*, trans. Hadi Jalili. Tehran: Nay. [in Persian].
- Krippendorff, Klaus. (2012) *Tahlil-e mohtavā: Mabāni-ye ravesh'shenāsi (Content Analysis: An Introduction to its Methodology)*. trans. Houshang Naebi. Tehran: Ney. [in Persian]
- Malik, Zahid. (2009) *Public Relations*. Islamabad: Moghtadereh ghomi zaban. [in Urdu]
- Mehdizadeh, Seyed Mohammad. (2010) *Resāneh'hā va bāznamāei (Media and Representation)*. Tehran: Office of Media Studies and Development. [in Persian]
- Qasemian, Rohollah. (2013) *Kankāshi dar tahavolāt-e soriyeh: rishe'hā, bāzigarān va payāmad'hā (An Analysis of the Developments in Syria; Roots, Actors and Consequences)*. Tehran: Office of Social Planning and Cultural Studies of the Ministry of Science. [in Persian]
- Said, Edward W. (1985) *Orientalism*. Harmondsworth, UK: Penguin (Original Work Published in 1978).
- Shamsuddin. (2002) *Theories of General Communication*. Islamabad: Moghtadereh ghomi zaban. [in Urdu]
- Soltanifar, Mohammad; and Shahnaz Hashemi. (2003) *Poshesh-e khabari (News Coverage)*. Tehran: Simā-ye Shargh. [in Persian]
- Windahl, Sven; Benno H. Signitzer, and Jean T. Olson. (1997) *Kārbord-e nazariey'hā'ye ertebātāt (Using Communication Theory: An Introduction to Planned Communication)*, trans. Alireza Dehghan. Tehran: Jameeh-Shenasan. [in Persian]



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.